

بقلم : آقای مخبر همایون

از دفتر خاطرات

تاریخچه ورود مستشاران خارجی بایران و اوضاع اقتصادی کشور

مهمترین منبع در آمد مملکت بلکه تنها عایدی از ممر مالیاتی بود که بر املاک کشاورزی در زمان مرحوم میرزا تقی خان امیر کبیر تعیین و ممیزی شده بود این عایدات مرکب بود از جنس و نقد و هر قریه میبایستی مقداری گندم تحویل دهد حتی اراضی که در آن پنبه یا جو و یا صیفی کشت می گردید قبلاً تقویم شده بود و دین مالک مطالبه می گردید .

مالیات نقدی فقط از ممر سرانه و رعایا دریافت میشد . این مالیاتها در کتابچه‌هایی تنظیم یافته بود و یک نسخه نزد مستوفی هر محل و نسخه دیگر نزد مستوفی کل در پایتخت محفوظ بود .

هر سال مستوفی یک کتابچه برای مخارجیکه هر حاکم میبایستی پرداخت کند تدوین میکرد .

هر ولایت یا باقی داشت یعنی عایدات اضافه بر مخارج و یا کمبود یعنی مخارج اضافه بر خرج و چنانچه حا کمی باقی میداشت آنرا به خزانه بر میگرداند و اگر کمبود میداشت از خزانه آنجا دریافت میکرد . بعضی از مخارج هم در خزانه تأدیه می گردید ولی کمتر اتفاق می افتاد که گیرنده خودش وجه را دریافت کند . صرافان قبوض و بروات را خریداری کرده وصول میکردند . قیمت خرید و فروش این اسناد مر بوط بود به وضعیت و امنیت هر محل با این رویه صندوق و باجه در ایران وجود نداشت اول باجه ایکه احداث شد در تلگرافخانه بود سپس در پستخانه پس آنگاه در بانگ شاهنشاهی انگلیس ،

اسناد این مخارج بر دو قسم بود یکی قبوضی که برای مخارج در کتابچه‌ها

ثبت شده بود و دیگر بروات برای مخارج فوق العاده که در کتابچه‌ای پیش بینی نشده بود .

این اسناد را مستوفیان صادر می کردند و در ثبت وارد میشد . مبلغ بزوات برطبق تشخیص مستوفی از مریکی از عایدات پرداخت میشد .
گاهی مالیاتی هم بر اصناف تحمیل میگردید . تعیین بدهی هر صنف در هر شهر از ازمه قدیمه معمول بود و حا کم این عایدات را با جاره وا گذار میکرد .

اولین خط تلگراف

خط اول تلگراف سیمی بود که دولت انگلیس از لندن بشمال اروپا و خاک روسیه امتداد داده از سرحد روسیه از طریق آذربایجان بتهران و از تهران به هندوستان متصل میگردید . از این تاریخ سیم کشی در ایران معمول گشت در حدود ۱۲۸۰ قمری در ایران خطوط عمده تلگراف تحت وزات اعتضاد السلطنه و مساعی علی قلی خان مخبر الدوله برقرار گردید .

پستخانه در ایران بتوسط مسیو آرنولد آلمانی تأسیس شد و بسیار مرتب بود . بعد از پست و تلگراف که دارای عوایدی بودند گمرک برقرار گردید ولی در آمد آن مدتها با جاره وا گذار میشد و معمولاً یکی از متنفذین آنرا اجاره مینمود . تعرفه گمرکها بدخواه مستاجرین و مذاکره با تجار تدوین می گردید و بدیهی است مصالح اقتصادی در آن منظور نمیشد .

اولین مرد خارجی که در امور اقتصادی کشور دخالت نمود شخصی بود بنام کتابچی که هنگام دست اندازی روسیه بگرجستان بترکیه مهاجرت کرده و در آنجا بشغل کتابفروشی پرداخته و باین نام معروف شده بود .

او پس از چند سال ثروتی بدست آورده با زن و اولاد بسویس مهاجرت نموده بود . پسر ارشد کتابچی پس از پایان تحصیلات به پاریس رفت باین منظور که شغلی بدست آورد در این هنگام يك جواهر فروش فرانسوی برای خرید جواهرات

سلطنتی بایران میآمد کتابچی را که ترکی میدانست با خود بایران آورد. معامله جواهرات سرنگرفت ولی امین السلطان کتابچی را شخص لایقی تشخیص داده برای خدمت در مملکت نگاه داشت و بکار گمرک گماشت و چندین سال با مستأجرین در امور گمرک همکاری مینمود و در نتیجه عایدات آن هر سال افزایش می یافت. کتابچی پس از چندی با خاندان خود بسویس مراجعت کرده و در آنجا سکونت اختیار نمود.

داری

داری یکی از اتباع انگلیس در استرالیا ثروتمنی بدست آورده بود و در لندن با این ثروت در صدد بود راه استفاده تازه ای بدست بیاورد. مستر برون مستشرق ایران شناس او را تشویق کرد که بایران بیاید و امتیاز نفت را بدست بیاورد. داری باتفاق کتابچی سابق الذکر عازم ایران شد. او با امین السلطان مربوط بود و میدانست که در ایران بدون تقدیمی منظوری صورت نمی گیرد. علیهذا با پرداخت دویست هزار فرانک طلا امتیاز نفت در سال ۱۹۰۲ میلادی بوی و گذار گردید.

امین السلطان درك کرده بود که گمرکها ممری است برای توسعه عایدات ولی اینرا هم میدانست که، تشکیل يك اداره محتاج به متخصص است و بتجربه معلوم شده بود که متخصصین باید از دولتی انتخاب شوند که در ایران نظر سیاسی نداشته باشند لاجرم از بلژیک انتخاب گردیدند و سعدالدوله وزیر مختار بدستور امین السلطان چهار نفر یکنفر را برای زیاست بنام موسیو نوس و سه نفر دیگر را برای کمک انتخاب و روانه ایران نمود. آنان وارد ایران شدند و دست به تشکیل ادارات پست و تلگراف و گمرک که در این زمانی مورد احتیاج مردم بود زدند.

عین الدوله صدر اعظم در نظر گرفت صندوق برای تأدیه مخارج تأسیس کند و دست حکام و صرافان را از خرید و فروش اسناد کوتاه نماید. اگر چه صندوق

تأسیس گردید ولی عوایدی را که حکام مکلف بودند بصندوق بردازند کاملاً عملی نگردید .

در آن اوقات نویسنده این سطور در تهران بود مسیو نوس به نگارنده اعلام داشت که یک نفر از رؤساء بلژیکی مراجعت میکند چنانچه میل دارید جای او بشما واگذار گردد و اضافه ای هم از بابت بدی آب و هوا در جنوب در بودجه منظور گردیده است .

اینجانب عازم جنوب شدم چهار ماه گذشت روزی از طرف ناصر الملك وزیر دارائی بوسیله تلگراف بنده را بتهران احضار کردند بعداً معلوم گردید منظور از این احضار تأسیس وزارت دارائی میباشد .

برای تشکیلات وزارت دارائی قبلاً با مسیو نوس مشورت کرده بودند و او اینجانب را معرفی کرده بود ولی بعداً دانستم که مداخلات من در خلیج فارس موجب عدم رضایت همسایه جنوبی را فراهم ساخته و بنا بدر خواست سفارتخانه دولت مذکور «سفارت انگلیس» مرا احضار کرده اند ولی صنیع الدوله رئیس مجلس صلاح در این دیده که تحت عنوان آبرومندانهای این احضار بعمل آید .

من بمجرد ورود در تهران محلی را در ارك انتخاب کرده و اثاثیه لازم را خریداری نموده و رسماً وزارت دارائی را تشکیل دادم .

در این تاریخ مجاهدین از رشت وارد تهران و محمد علی میرزا رهسپار روسیه گردید . پیرم خان رئیس مجاهدین قفقازی بریاست شهر بانی برقرار شد ولی اداره مزبور بودجه نداشت .

پیرم خان بدون اطلاع وزارت دارائی مالیاتهای برتریاك و مشروبات الكلی و مواد غذایی که ازدروازهها وارد شهر میگردید و به نواقل نامیده میشد برای تأمین بودجه شهر بانی وضع نموده بود که مورد ایراد وزارت دارائی واقع گردید .